

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره بیستم، بهار ۱۳۹۰: ۲۲۷-۲۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۹/۱۷

تبیین مؤلفه‌های هویت سنتی و مدرن زن

در شعر پروین اعتصامی^۱

مریم صادقی گیوی*

بهاره پرهیزکاری**

چکیده

پروین شاعر بیان خواست‌ها، نارسایی‌ها، کمبودها و نادیده انگاری‌های مردمان عصر خویش درباره زنان است. او بسیار کوشیده است تا با درک و دریافت شرایط موجود، با نگاهی دقیق و واقع‌گرایانه دیدگاه‌های نادرست و رایج در جامعه ایران را ارزیابی کرده و ریشه این همه مصائب و مشکلات را که خود زنان نیز بوده‌اند، یافته و در بیان چاره‌اندیشی‌ها پیشگامانه باشد.

در این مقاله دیدگاه‌های پروین در مورد زن در دو بعد سنتی و مدرن مورد بررسی قرار گرفته است. در بعد سنتی به ویژگی‌های یک زن به‌عنوان مادر و همسر که شامل پایداری، مهربانی و شفقت و عفت و پاکدامنی است، پرداخته شده است و به موازات آن در بررسی هویت مدرن، این مسئله در اشعار پروین تبیین شده است که زن با کسب علم و دانش و داشتن اصالت فکر و اندیشه، در ایفای همان نقش‌ها می‌تواند مؤثرتر باشد، به طوری که رابطه او با همسرش مبتنی بر تعامل و همکاری است، نه فرمانبرداری و همچنین فرزندان را پرورش می‌دهد که می‌توانند در جامعه منشأ خدمات بزرگ باشند.

واژه‌های کلیدی: شعر معاصر، انقلاب مشروطه، زن، هویت سنتی، هویت مدرن، پروین اعتصامی.

۱. برگرفته از پایان‌نامه با عنوان تحلیل تطبیقی اندیشه‌های تعلیمی و تربیتی سعدی و پروین اعتصامی، ۱۳۸۸، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

*نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

Drasadeghi_38@yahoo.com

**کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

Baharehparhizkar@yahoo.com

مقدمه

درباره پروین اعتصامی و اشعار او کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی به رشته تحریر در آمده است. در میان این نوشته‌ها بیشتر به جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، عرفانی و اخلاقی اشعار پروین پرداخته شده است. از جمله کتاب‌ها و مقالاتی که در مورد جایگاه زن در شعر پروین اعتصامی مطالبی در آنها مطرح شده است، می‌توان به این موارد اشاره کرد ۱- یادنامه پروین اعتصامی به کوشش علی دهباشی (۱۳۷۰) ۲- کتابی با عنوان «زن، پروین، حقیقت یا مجاز؟» نوشته عبدالحسین موحد (۱۳۷۴) که نویسنده در این کتاب پروین را شاعری می‌داند که توانسته در کنار شاعران مرد عصر خود، تصویری معقول از زن ارائه دهد. ۳- مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت پروین اعتصامی در دو مجلد به کوشش محسن ذوالفقاری (۱۳۸۵). از جمله مقالاتی که در مورد مسائل زنان در این مجموعه نوشته شده است، می‌توان به مقاله «رنج زنان در آینه شعر پروین اعتصامی» از نجمه دری، «زن در اشعار پروین اعتصامی» نوشته منیر پشمی و عرفانه رضوی پور، «جایگاه نقد اصالت زن در دیوان پروین اعتصامی» از لیلا حسینیان، «زن، انزوا و آزادی در شعر پروین و فروغ» از علی اکبر کمالی نهاد و حسین ملکی؛ اشاره کرد. در این مقالات به صورت فهرست وار به نکات و دیدگاه‌های پروین نسبت به زنان پرداخته شده است که عبارتند از: تربیت زنان، تساوی حقوق انسانی زن و مرد، کسب علم و دانش، توجه به نقش مادری و تعلیم و تربیت فرزندان. در مقاله دیگری تحت عنوان «پروین اعتصامی، شاعر فضیلت و انسانیت» از فاطمه محمدی، نویسنده شعر پروین را به جهت محتوا تقسیم‌بندی کرده است و یکی از این موارد؛ نقش زن در زندگی اجتماعی و فردی است که نویسنده به آوردن ابیاتی در این خصوص بسنده کرده است. ۴- مجموعه مقالات نکوداشت پروین اعتصامی به کوشش منوچهر اکبری (۱۳۸۶). در این مجموعه مقالات، در مقاله‌ای با عنوان «درون مایه‌های شعر پروین» از محمد مهدی پور، نویسنده به مقام و منزلت زن به‌عنوان مادر و همسر از دیدگاه شاعر اشاره کرده است. در این مقاله دیدگاه‌های پروین در مورد زنان از بعد هویتی در دو مؤلفه سنتی (در دو محور) و مدرن (در شش محور)، بر مبنای روش‌های تعامل‌آمیز و تقابل‌نگرانه مورد بررسی قرار گرفته است.

بیان مسئله

تغییرات سیاسی و اجتماعی ایران در انقلاب مشروطه و پس از آن، نگرش جامعه را نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی و غیره، متحول کرد. یکی از این مسائل، زنان و حقوق اجتماعی آنان بود. تعاریف سنتی از مفهوم زن که در باورهای فرهنگی و سنت ریشه داشت، دگرگون شد و منجر به شکل‌گیری هویت مدرن زن شد. اما در پی آن میان زن سنتی و مدرن شکافی به وجود آمد؛ در این میان، لازم بود با تبیین‌های درست و قابل قبول، تلفیقی میان این دو دیدگاه و روش، به وجود آید تا اختلاف این دو را از میان بردارد؛ لذا پروین در میان شاعران زن آن دوره، بر آن شد تا با دیدگاه درست و واقع‌گرایانه خویش، این امر را تبیین نماید که زنان از لحاظ درک، خلاقیت، آگاهی و توانایی‌ها با مردان متفاوت نیستند. او نشان داد که زن در کنار وظایف و نقش‌های مادری و همسری که بازمانده و میراث سنت هستند، می‌تواند به هویتی که در آن زنان روابط مرد سالاری را کنترل و محدود ساخته و دیگر فرودست نیستند، دست یابد. از دیدگاه پروین، زنان فقط از طریق آموزش و تربیت زنان می‌توانند پیوندهای خانواده را استوارتر کرده، روابطی بر مبنای همدلی و همکاری شکل دهند و از این آگاهی برای تربیت بهتر فرزندان و ارتقاء سطح جامعه، بهره‌گیرند. پروین با ایجاد ارتباط و پیوند میان مؤلفه‌های هویت زن سنتی و مدرن در اشعارش اثبات می‌کند که دستیابی به هویت مدرن، عامل بازماندن از نقش‌ها و کارکردهای زن سنتی نخواهد بود. این مقاله، به بررسی دیدگاه تلفیق‌آمیز پروین در باره هویت‌های زن در دو مرحله سنی و مدرن، پرداخته است.

تبیین هویت زن و عوامل موثر در تغییر آن

در طول تاریخ، فرهنگ مردسالارانه جامعه سنتی ایران^(۱) و دیدگاه تحقیرآمیز نسبت به زنان، مجال هیچ‌گونه فعالیتی را برای زن باقی نمی‌گذاشت. تقید به سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه مردسالار، محدودیت فعالیت آنان به خانه‌داری و شوهرداری، از ویژگی‌های زنان در جامعه سنتی ایران بود (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۹۱). شعر و ادب فارسی نیز تحت تأثیر چنین جامعه‌ای، عمدتاً فرهنگی مرد محور و اغلب ضد زن بوده است؛ در کلیه متون نوشته شده^(۲) «زن را به عنوان یک چهره انسانی، بلکه همچون موجودی مطیع که باید در یک سری استانداردهای مشخص جای گیرد، مطرح می‌کردند. در واقع جامعه

سنت‌گرای ایران در ادوار تاریخ، عموماً هرگونه تشخص مستقل را برای زن بر نمی‌تابیده و همواره ارزش‌هایی همچون مطیع بودن، ناتوانی، مصلحت‌اندیشی، تقیه، تعبد، پنهان‌سازی و اختفای شخصیت حقیقی و نظایر آن به انواع گوناگون تبلیغ و در هیئت فرهنگ بازدارنده متجلی می‌شده است» (احمدی خراسانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰ و ۱۰۹). بدین ترتیب فرهنگ و جامعه ایرانی که به وسیله مردان و برای مردان شکل گرفته بوده است، مجال تغییر در این روند و بروز و حضور به زن ایرانی را نداده است؛ به طوری که تا پیش از انقلاب مشروطه، زن در دایره محدود سنت تعریف می‌شد، اما پس از آن با تغییر نگرش‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و غیره، نگاه به زن هم تغییر یافت، او دیگر با دیدگاه‌های سنتی، تعریف نمی‌شد؛ هویت زن تغییر کرده و هویت مدرن او شکل گرفت. هویت به معنای ابعاد متشکله انسانی است «هویت، یعنی آگاهی از خود و ویژگی‌های مشترک در زمینه‌هایی مانند طبقات اجتماعی، مذهب، قومیت و جنسیت»^(۳) (مصفا، ۱۳۸۳: ۲۱۳). انسان دارای هویت کسی است که توانایی ایجاد پیوند میان بنیاد باورها و اندیشه‌هایش و تحولات و دگرگونی‌های پیرامون خود را داشته باشد و بتواند دیروز خود را با امروز پیوند دهد، در غیر این صورت او دچار بحران هویت خواهد شد (قبادی و غیاث‌الدین، ۱۳۸۳: ۱۴۶). عدم آگاهی زنان در تحقق و دستیابی به هویت مدرن و ایجاد پیوند با هویت سنتی، زن ایرانی را دچار بحران هویت کرد؛ لذا زنان نیازمند بستر و شرایط مناسبی بودند که بتوانند میان هویت سنتی و مدرن پیوند ایجاد کنند.

انقلاب مشروطه در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی منشأ تحولات و تغییراتی در جامعه ایران گردید؛ از مهمترین زمینه‌های بیداری و تغییرات می‌توان به این موارد اشاره کرد «ارتباط با دنیای غرب، سفرنامه‌ها، تأسیس مدارس جدید، ترجمه آثار غربی، مطبوعات و روشنگری روشنفکران» (اکبری بیدق، ۱۳۷۹: ۶۷) طبیعی است که تمامی این عوامل موجب گردید که جوانان و خصوصاً روشنفکران با مشاهده پیشرفت و ترقی غرب و مقایسه خود با آنها، به عمق شکاف میان جوامع خود با آنان پی برده و درصدد تغییر برآیند و در تلاش و مبارزه برای رسیدن به مقام و موقعیت مردمان غرب باشند، از این رو با بازگشت آنان از این کشورها، عقایدی همچون «آزادی، دموکراسی، برابری زن و مرد، ناسیونالیسم، حق حاکمیت ملی و ...» وارد ایران گردید (ناهد، ۱۳۶۸: ۹). در اثر گسترش نوگرایی و نوسازی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، به ویژه افزایش

سطح تحصیلات و اشتغال، نقش‌های زنان نیز در اجتماع و خانواده دگرگون شد و آنها را از چارچوب خانه به عرصه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی وارد کرد. آنان با حضور در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، از نقش منفعل و ناکار آمد خود در خانه بیرون آمده و برای رسیدن به آزادی و تساوی حقوق زن و مرد کوشش‌هایی را در دو بعد آغاز کردند: ابتدا از طریق تأسیس مدارس دخترانه و تأسیس روزنامه و چاپ مقالات، سپس از طریق حقوقی و سیاسی؛ یعنی تلاش در جهت تغییر قوانین از طریق تشکیل انجمن‌ها (زاهد و خواجه نوری، ۱۳۸۴: ۱۰۰ و ۹۹). با این حال «برخی از گروه‌های محافظه‌کار با جنبش اصلاحات تربیت مخالفت کردند و ضمن محکوم شمردن موسسات فرهنگی، این بنیادهای نو را مغایر سنت‌های پیشین دانستند» (آفاری، ۱۳۷۷: ۳۱). درحالی‌که زنان در به ثمر رساندن انقلاب مشروطه نقشی بس سترگ را ایفا کرده بودند، در سال ۱۳۲۹ هـ. ق. در کنار اطفال و اتباع بیگانه از انتخاب شدن و حتی انتخاب کردن نمایندگان مجلس محروم شدند (دلریش، ۱۳۷۶: ۱۷۷). اما به رغم مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، جنبش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی برای رفع ستم اجتماعی و تبعیض جنسیتی، ادامه یافت.

تأسیس مدارس و انجمن‌ها

در زمان قاجار شایع‌ترین راه برای آموزش دختران در اجتماع استفاده از معلمان سرخانه و مکتب خانه‌ها بود و به دلیل عدم استطاعت مالی، بیشتر دختران طبقات پایین بی‌سواد بودند و تنها زنان و دختران طبقات خاص از معلمان سرخانه استفاده می‌کردند (همان: ۱۲۱). در این زمان زنان روشنفکر و باسواد سعی کردند تا با آگاه کردن زنان و تأسیس مدارس دخترانه، آینده‌ای روشن را برای نسل آینده پیریزی نمایند «همزمان با مجلس اول در سال ۱۳۲۶ هـ. ق. دو مدرسه در تهران تأسیس شد و در سال ۱۳۲۷ هـ. ق. که مجلس قانون اداری وزارت معارف را تصویب کرد، مقررات تعلیمات ابتدایی از سن هفت سالگی اجباری شد و نه باب دبستان در تهران و شهرستان‌ها دایر گردید...» (کراچی، ۱۳۸۱: ۹۲). با تأسیس این مدارس و فارغ‌التحصیل شدن دخترانی باسواد، این زمینه فراهم آمد تا آنان بتوانند به‌عنوان عضوی فعال در جامعه مشغول به کار شوند، زیرا «گسترش مدارس دخترانه در ایران موجب شد تا راهی برای اشتغال زنان اقشار متوسط و اعیان و حتی زنان وابسته به خانواده سلطنتی قاجار گشوده شود» (خسرو پناه، ۱۳۸۱:

۱۳۲۸) و در سال ۱۳۲۸ هـ. ق. "انجمن مخدرات" به ریاست بانو آغابگیم در تهران تأسیس شد (ناهدی، همان: ۱۰۷).

چاپ مقالات

زنان تحصیلکرده همچنین سعی کردند تا از طریق چاپ مقالات در مجلات، از تساوی حقوق زن و مرد و گسترش سطح آگاهی زنان و تشویق آنان به کسب علم و دانش دفاع کنند، و در این راستا، "دانش"، نخستین نشریه ویژه زنان در سال ۱۳۲۸ هـ. ق. منتشر شد (وطن دوست، ۱۳۸۵: ۱۹). به این ترتیب از زمان روی کار آمدن نظام مشروطه، تحولاتی چشمگیر در خصوص نقش زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی صورت گرفت و فرهنگ حاکم بر جامعه که سالیان سال، بر زن این باور را القا می‌کرد که بدون تکیه بر مرد نمی‌تواند به حیات اجتماعی خویش ادامه دهد، به طور کلی دگرگون شد «تاریخ بشری گویای آن است که هر جامعه‌ای برای زنان و مردان خود نقش‌های مختلف و متفاوتی را تعیین نموده و هویت زن و مرد را تعیین کرده است، اما با گذشت زمان و با تغییرات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در جوامع، تغییر در نقش‌های زنان و مردان، باعث دگرگونی در هویت قبلی آنها نیز گردیده است» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۸۷).

در این زمان نوشته‌ها و آثار تحت تأثیر شرایط قرار گرفتند و مضامین و مفاهیم اساسی مانند «ناسیونالیسم، آزادی، مبارزه با خرافات مذهبی، مردم سالاری و قانون گذاری بشر و حقوق زنان به شعر وارد شد» (اکبری بیدق، همان: ۱۳۸) و شاعران مشروطه که خود جزو روشنفکران جامعه ایران محسوب می‌شدند، به فکر تبیین و طرح این مسائل افتادند. علاوه بر مردان شاعر، زنان نیز وارد این عرصه شدند و به تدریج قید و بند سنت از ذهنیت و دیدگاه محدود و کهنه زنان شاعر برداشته شد و شعر آنان از منظر معنا دگرگون گردید. شاعران زن در این دوره همان زبان ادبی و صورت قالب کلاسیک را حفظ کردند و با آمیختن اندیشه‌های اجتماعی و حس عاطفه زنانه، نمو تازه‌ای در شعر فارسی ایجاد نمودند^(۴) (خداداد لرزجانی، ۱۳۸۶: ۲۵۰). اشعار پروین به‌عنوان یکی از زنان شاعر پرچمدار این تحول، در تغییر این نگرش از اهمیت و ارزشی والا برخوردار است.

تحلیل دیدگاه‌های پروین درباره زنان

پروین تلاش کرد دیدگاه‌های خویش را، در دو بعد عملی و نظری، (اجتماعی و ادبی)؛ تحقق بخشد: در بعد عملی، مانند بسیاری دیگر از زنان مبارز آن روزگار، به‌عنوان یکی از این روشنفکران در محافل و گروه‌هایی که برای دفاع از حقوق زنان تشکیل می‌شد، فعالیت می‌کرد^(۵) و در بعد نظری، با طرح راهبردها و راهکارهایی اجتماعی و فرهنگی پا به عرصه ادبیات گذاشت تا بتواند نگرش‌های زن ستیزانه را که قرن‌ها بر ادبیات حکمفرما بود، تعدیل نماید و زنان را تا حد زیادی برای رسیدن به جایگاه شایسته‌شان یاری کند. پروین سخنگوی زنان جامعه خود است؛ از عقب ماندگی‌ها، درماندگی‌ها و سرگذشت شومی که مردان جامعه در طول تاریخ برای زنان رقم زده‌اند، می‌گوید، لذا اشعار پروین جزو اولین فریادهای زن علیه فشارهای جامعه‌ای است که زن را از خود رانده و برای او موجودیت و هویتی در نظر نگرفته است (قائم مقامی، ۱۳۵۶: ۱۴۲). پروین به‌عنوان شاعر، وظیفه خویش می‌داند که زنان ایران را از وضعیتی که در گذشته داشته‌اند، آگاه کند و سپس راهبردهای لازم را برای رسیدن به جایگاه شایسته بیان کند. او با سرودن قطعه "زن در ایران"، وضع اسفبار زنان ایران را با جزئیات، به تصویر می‌کشد و قابل توجه است که این زنان تنها متعلق به یک گروه یا دسته نیستند، بلکه شامل زنان طبقات بالا و فرودست جامعه می‌شوند، لذا این شعر تنها یک قطعه نیست، تبیین سیر تاریخی جایگاه زنان است:

پیشه‌اش، جز تیره روزی و پریشانی نبود	زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود
زن چه بود آن روزها، گر زن که زندانی نبود	زندگی و مرگش اندرکنج عزلت می‌گذشت
کس چو زن، در معبد سالوس، قربانی نبود	کس چو زن، اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد

(دیوان: ۱۴۳)

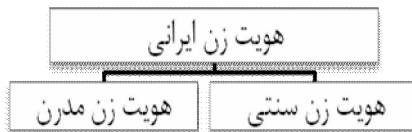
البته او تأکید می‌کند: وجود فضای بی ثبات و ناامن جامعه موجب شده بوده است که منافع و حقوق زنان مورد تاراج قرار گرفته و آنها جزو ضعیف‌ترین گروه جامعه به شمار آیند و سهم‌شان از قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هیچ انگاشته شود، به طوری که از ابتدایی‌ترین حقوق نیز محروم بوده‌اند:

در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود	در عدالت خانه انصاف، زن شاهد نداشت
آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود	دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌جواب

(دیوان: ۱۴۴)

پروین خود را وکیل مدافع زنان رنج دیده و زورپذیر می‌داند و با آنها همدردی می‌کند. این شاعر جوان درحالی که با دیدگاه‌های واقع‌گرایانه، خواهان دگرگونی وضع زندگی زنان بود، لذا تصویری صحیح و جامع و حقیقی از زن و پایگاه شایسته او ارائه می‌داد؛ شاید او نخستین زنی بود که فاصله ارزش‌های اجتماعی "زن و مرد" را از بین برد و مردان ادیب را وادار کرد که معترف شوند، هنر و ادبیات در انحصار مردان نیست (چاووش اکبری، ۱۳۷۸: ۲۰۳). از چه نسوان از حقوق خویش بی بهره‌اند نام این قوم از چه دور افتاده از هر دفتری (دیوان: ۳۱۱)

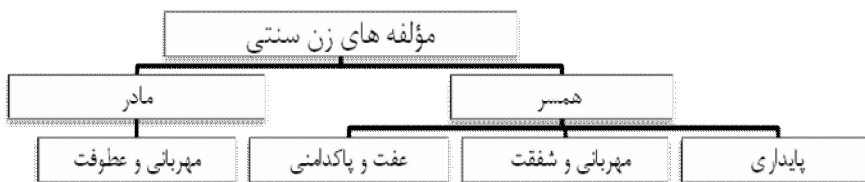
در بررسی و بازخوانی اشعار پروین، می‌توان گفت: پروین با رویکرد گذشته‌نگری و آینده‌پژوهی، ابعاد گوناگون هویت زنان را در دو بعد کلی؛ سنتی و مدرن تبیین می‌کند، تا در عین حفظ میراث‌های متعالی و ارزنده گذشته، جامعه‌ای پویا و آینده‌ای درخشان را پی‌ریزی کند. او تلاش می‌کند تا بین نگرش‌های مدرن که از زن انتظار تحصیل و حضور در جامعه را دارد و ارزش‌های سنتی که خواهان مادری دلسوز و همسری فداکار است، نوعی پیوند و ارتباط ایجاد کند و نشان دهد هویت جدید زن ایرانی با ارزش‌های اسلامی و ایرانی مغایرت ندارد و می‌تواند با حفظ اصالت زن ایرانی، به مؤلفه‌های زن مدرن دست یابد. از نظر پروین در هویت سنتی، زنان ادامه‌دهنده همان نقش‌های مادران خویش هستند و از سنت پیروی می‌کنند؛ از جمله ویژگی‌هایی که پروین به آنها اشاره کرده: مهربانی و شفقت، عفت و پاکدامنی، پایداری و مهربانی، به‌عنوان همسر و تامین‌کننده نیازهای اولیه فرزند به‌عنوان مادر است؛ اما زن مدرن دارای ویژگی‌هایی فراتر از زن سنتی است؛ او زنی است تحصیلکرده و دارای اصالت فکر و اندیشه که با شوهرش همراه و همدل است و می‌تواند فرزندان آگاه‌تر به جامعه تحویل دهد. با توجه به مقدمات مذکور، ابعاد دوگانه هویت سنتی و مدرن زن ایرانی از دیدگاه پروین مورد بررسی قرار می‌گیرد:



تبیین هویت زن سنتی

در جامعه ایرانی، نخستین هویتی که برای زن در نظر گرفته می‌شود، هویت سنتی است که در پایبندی و وفاداری به میراث و قبول ارزش‌های مبتنی بر سنت معنا می‌یابد

(بهنام، ۱۳۸۳: ۱۷۹). در این تعریف، زن موجودی است ساده و با عفت که فعالیت‌هایش محدود به خانه است. او در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی حضور ندارد و سعی می‌کند وظایف خود را به‌عنوان مادر و همسر به خوبی ایفا کند. پروین نیز در اشعار خود این بخش از وجود هر زنی را مد نظر داشته است. مهمترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های زن سنتی در شعر پروین:



همسر

پایداری

پایداری در برابر مشکلات، از آموزه‌های دیر پای سنتی و اجتماعی در ایران است و به‌عنوان مهمترین ارکان تربیتی در دختران و زنان نهادینه شده است. پروین که در چنین فرهنگی تربیت یافته، زنان را به صبر و مقاومت در برابر رنج‌ها و مصائب زندگی دعوت می‌کند و وجود زن را همچون شمعی می‌داند که روشنگر راه‌های تاریک است: زن از راه متاعب نمی‌گداخت چو شمع نمی‌شناخت کس این راه تیره را پایان (دیوان: ۱۹۴)

مهربانی و شفقت

زن موجب ایجاد آرامش، انس و شفقت در خانواده است و می‌تواند کانون خانواده را گرم و لبریز از مهر و محبت کند، زیرا زنان از دیدگاه پروین، روح زندگی هستند: در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست در آن وجود که دل مرد، مرده است روان (دیوان: ۱۹۴)

زنان در عین مقاومت و پایداری در برابر مشکلات، جریانی از عشق و دوستی را در جامعه و جهان، جاری می‌سازند: چو مهر، گر که نمی‌تافت زن به کوه وجود نداشت گوهری عشق، گوهر اندرکان (دیوان: ۱۹۴)

عفت و پاکدامنی

پروین برای زن، عفت، پاکدامنی، شجاعت، راستگویی و درست کرداری را می‌پسندد و در تلاش است با این نگرش، زنان روزگار خویش و آیندگان را بیدار و بینا کند. اندرز پروین به طبقه خاصی تعلق ندارد، او راه دانش و تلاش را به زن توصیه می‌کند و رهایی از نادانی و بی‌قیدی را پیش پای او می‌نهد (علی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۳۸). این شاعر جوان حجاب و پوشش را برای زن قید و بند نمی‌داند و هرگز موافق بی بند و باری نبوده است: کسی است زنده که از فضل، جامه‌ای پوشد نه آنکه هیچ نیرزد، اگر شود عریان (دیوان: ۱۹۶)

از نظر او، زن نگهبان گنجی به نام عفت است، لذا باید از آن خوب محافظت نماید: زن چو گنجور است و عفت گنج و حرص و آز، دز وای اگر آگه ز آیین نگهبانی نبود (دیوان: ۱۴۵)

پروین هیچ‌گاه از نجابت، تقوا و شرف که لازمهٔ انسانیت است، دور نشده و در تلاش است زن ایرانی را آن‌گونه که شایسته است، پرورش دهد و با ارزش‌های معنوی آشنا سازد. او بر خلاف تفکر بسیاری از روشنفکران، به اعتقادات دینی و به خانواده پایبند بود، از این رو راه حل‌های او نیز با نیازها و روحیات زن ایرانی و در عین حال مسلمان سازگار بود، چرا که شخصیت و اندیشهٔ پروین از عناصر فرهنگ اسلامی و سنت‌های ایرانی ترکیب شده است (ناظر، ۱۳۷۰: ۴۴۱).

مادر

مهربانی و عطوفت

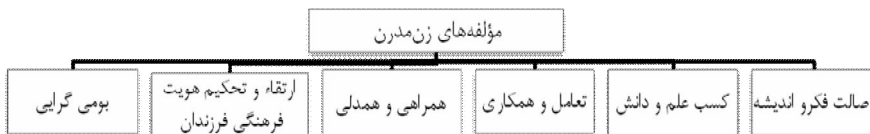
پروین معتقد است زنان سنتی ادامه دهندهٔ راهی هستند که مادران آنان رفته‌اند، بنابراین مانند آنها صرفاً با عشق و مهر خویش، فرزندان را از محبت سرشار می‌کنند، چون نمی‌توانند در ابعاد علمی و فرهنگی و اجتماعی، دیدگاه‌های آنان را درک کرده و نیازهایشان را برآورده سازند:

توان و توش ره مرد چیست، یاری زن حطام و ثروت زن چیست، مهر فرزندان (دیوان: ۱۹۵)

مسئله این است که زنان همواره از دیدگاه ارتباط با دیگران یا مادر بوده و یا دختر و یا همسر، یعنی زن بالاستقلال مطرح نبوده است، زیرا باید بسترها و زمینه‌های پیشرفت دیگران را فراهم می‌کرده است، اما آیا بدون اینکه خود از دانش و یا فن و هنر بهره‌ای برده باشد، می‌تواند این نقش‌ها را بر فرض پذیرفتن، خوب و کامل ایفا نماید؟ پروین از این بعد است که وضعیت زنان را بررسی می‌کند و خواهان تغییر آن است؛ یعنی زنان ابتدا خود به کسب دانش و آگاهی و هنر و فنون لازم بپردازند و سپس به تربیت دیگران، اشتغال یابند، در این صورت، حتی خانه‌داری و فرزندداری نیز در حکم یک شغل برای زنان به حساب خواهد آمد.

تبیین هویت زن مدرن

هویت زن مدرن با بروز تعاریف جدید از بنیان‌ها و مبانی زندگی، شکل گرفت: یعنی زمانی که جای انسان در جهان، رابطه او با طبیعت و زمان، و انسان‌های دیگر دگرگون شد (همان: ۱۸۲). این زن؛ زنی است تحصیلکرده که سعی دارد همچون مردان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی حضور داشته باشد. او صاحب ویژگی‌هایی از قبیل استقلال، خود اتکایی و همچنین تحصیلات است و نگاه غیر جنسیتی به خود دارد، در نتیجه رابطه او با همسرش به جای اطاعت، رابطه همکاری و تعامل است. پروین نیز به‌عنوان شاعر که در جامعه مدرن آن روزگار زندگی می‌کرده است، خواهان شکل‌گیری زن مدرن و تحولاتی در نقش و کارکرد زنان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی است. در زمینه فرهنگی و اجتماعی از زنان می‌خواهد که از تقلید پرهیزکنند و توان خود را در زمینه آموختن علم و دانش صرف کنند، در مورد مسائل اخلاقی، خواستار بیداری و روشن‌رایی زنان جامعه خویش است و در مورد مسائل اقتصادی، دعوت‌کننده زنان به ساده‌زیستی و بومی‌گرایی است. مؤلفه‌های زن مدرن بر طبق نمودار زیر در شش بعد بررسی می‌شود:



اصالت فکر و اندیشه

از نظر پروین زن ایرانی هیچ‌گاه در اتخاذ الگوهای رفتاری حق انتخاب نداشته، از این رو یا سنت‌های بعضا نادرست را الگو ساخته و یا به یکباره به واسطه عدم آگاهی و قوه بینش، با تقلید ناآگاهانه، الگوهای نامناسب برای خویش اتخاذ کرده است، لذا پروین «در اشعارش از زن ایرانی می‌خواهد که خود را به زیور علم و دانش بیاراید و از اینکه بخواهد زنان از بیگانگان تقلید کنند، برحذر می‌دارد» (موحد، ۱۳۷۴: ۳۹). از نظر او، تقلید بیابان گمراهی است و زن باهوش، زنی است که آن را درک می‌کند و از به بیراهه رفتن پرهیز می‌کند: بهر زن، تقلید تیه فتنه و چاه بلاست زیرک آن زن، کورهش این راه ظلمانی نبود (دیوان: ۱۴۴)

کسب علم و دانش

از نظر پروین، اگر زنان ایرانی در جامعه مانند مردان از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند، به خاطر آن نیست که از بهره هوشی کمتری نسبت به مردان برخوردارند، بلکه آنچه موجب شده است تا مردم جامعه، دیدگاهی نادرست نسبت به آنان داشته باشند، نظام معیوب ارزشی و مردسالار بوده است، اکنون زمان تغییر دیدگاه‌ها و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به زنان است؛ آنان باید نشان دهند که مردان، هیچ برتری نسبت به ایشان ندارند و یکی از این راه‌ها؛ آموختن علم است: به که هر دختر بداند قدر علم آموختن تا نگوید کس، پسر هوشیار و دختر کودن است (دیوان: ۳۱۰)

پروین معتقد است، واکنش‌ها و دیدگاه‌های افراطی و تفریطی نسبت به زنان، حاکی از عدم شناخت توانایی‌های آنان است: به رسته هنر و کارخانه دانش متاع‌هاست، بیا تا شویم بازرگان زنی که گوهر تعلیم و تربیت خرید فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان (دیوان: ۱۹۶)

پروین، از جامعه‌ای سخن می‌گوید که زنان آن را در طی قرون، از فراگرفتن علم و دانش محروم بوده‌اند، درحالی‌که می‌توانستند با آگاهی از فرصت‌های مساوی به نحو احسن استفاده کنند و به تعالی وجود خویش بپردازند:

نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند این ندانستن، ز پستی و گرانجانی نبود
(دیوان: ۱۴۴)

شاعر در شعرهایش با بیانی ساده می‌گوید که زنان برای رهایی یافتن از دشواری‌ها و
ناهمواری‌های زندگی، باید دانش‌های لازم را آموخته و با اندیشه، هوش و استعدادی که
خداوند به آنان عطا کرده است، خود را برای مبارزه در میدان حیات مسلح کنند (همان: ۷۷).
او زینت واقعی برای زنان را علم و دانش می‌داند:

برای گردن و دست زن نکو، پروین سزا است گوهر دانش، نه گوهر الوان
(دیوان: ۱۹۷)

و در جایی دیگر می‌گوید:

خواجه آن است که آزاده بود پروین بانو آن است که باشد هنرش زیور
(دیوان: ۳۷۴)

همه جا خطاب وی به زنان از بالا و به دیگری است (داوران، ۱۳۷۰: ۱۲۵). او با به
کارگیری ضمیر "ما" در اشعارش، تمام طبقات و قشرهای زن جامعه‌اش را مورد خطاب
قرار دهد:

غنچه‌ای زین شاخه، ما را زب دست و دامن است همتی، ای خواهران، تا فرصت کوشیدن است
(دیوان: ۳۰۱)

پروین با این اشعار نشان می‌دهد که جامعه آن زمان از لحاظ کیفی و محتوایی از
ساختار تاریخی جدا شده و به تدریج این فاصله در حال افزایش است، به طوری که زنان
در کنار مردان با داشتن قدرت خرد و تعقل و دانش و تخصص می‌توانند عامل تکامل و
تغییر اجتماعی گردند.

تعامل و همکاری

پروین نقدکننده قوانین ناعادلانه، ارزش‌ها و سنت‌های مردسالارانه حاکم بر جامعه است،
اشعار او تبلور آگاهی زنانی است که در تلاشند از سلطه نظام مردسالاری بیرون آمده و
به‌عنوان زنی مستقل به فعالیت بپردازند و همه انسان‌ها را در یک رابطه سالم انسانی با
یکدیگر قرار دهند، رابطه‌ای که بر اساس عشق و محبت است و زن و مرد؛ هر کدام

می‌توانند در آن نقشی بسزا داشته باشند و از نظر او چنین رابطه‌ای زمانی قابل حصول است که عاری از قدرت و سلطه و زورگویی یکی بر دیگری باشد.

پروین در قطعه "دو محضر" که گفتگوی میان زن و شوهر است، به ارزش کار زن در خانه اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که کار یک زن خانه دار آن قدرها آسان نیست. او از زن، از تحمل رنج‌ها و شکیبایی بی‌تظاهر او، از سختکوشی او در اداره امور خانه و تربیت فرزندان که در چشم خودبینان کاری است سهل و ساده که ارزش گفتن ندارد، دفاع می‌کند (درودیان، ۱۳۷۷: ۹۲).

در این قطعه، مرد، قاضی و زن، خانه دار است. زمانی که قاضی به خانه می‌آید، زن را سرزنش و متهم می‌کند که در خانه است و از مشکلات او بی‌خبر است و تمام سختی‌ها و مسئولیت‌ها بر دوش اوست:

تو ز سرد و گرم گیتی بی‌خبر	من گرفتار هزاران شور و شر
تو غنودی، من دویدم روز و شب	کاستم من، تو فزودی، ای عجب
تو شدی دمساز با پیوند دوست	چرخ روزی، صد ره از من کند پوست

(دیوان: ۱۱۵)

قاضی، در ادامه بیان می‌دارد که از فردا به سرکار نخواهد رفت و در خانه خواهد ماند؛ زن که زیرک و کاردان است، خانه را ترک می‌کند و امور منزل را به شوهر می‌سپارد:

می‌روم فردا من از خانه برون تو بر افراز این بساط واژگون

(دیوان: ۱۱۶)

پس از رفتن زن از خانه، مرد متوجه دشواری کار همسر خود می‌شود، لذا تصمیم می‌گیرد که به محضر بازگردد و به کار قبلی خود مشغول شود. در پایان، زن به خوبی و دانایی جواب مرد را که فکر می‌کرده است خانه‌داری کار راحتی است، می‌دهد:

تو بسی گفتی ز کار خویشتن	من نگفتم هیچ و دیدی کار من
تا تو اندر خانه دیدی گیر و دار	چند روزی ماندی و کردی فرار...
هر که بینی رشته‌ای دارد به دست	هر کجا راهی است، رهپویش هست

(دیوان: ۱۱۷ و ۱۱۸)

شاعر در این شعر، تصویر پنهان شده‌ی پر معنا و زندگی بخش زن را به مردان که خود را صاحبان قدرت و قانون می‌دانند، نشان داده است، چنانکه سیمین بهبهانی این شعر را لایحه دفاع از زن خانه می‌نامد (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۹۲).

پروین زن و مرد را مکمل یکدیگر می‌داند و معتقد است، وجود هر کدام در کنار دیگری، در زندگی لازم و ضروری است. او زن را همچون کشتی استوار و محکمی می‌داند که مرد ناخدای آن است و با همکاری و مشارکت زن و شوهر است که کشتی زندگی در میان امواج مشکلات می‌تواند به مقصد برسد و راه پر فراز و نشیب زندگی را بپیماید:

وظیفه‌ی زن و مرد، ای حکیم، دانی چیست؟ یکی است کشتی و، آن دیگری است کشتیبان
چو ناخداست خردمند و کشتیش محکم دگرچه باک، ز امواج و ورطه و طوفان
(دیوان: ۱۹۵)

شاعر تبیین می‌کند که دیگر زمان اطاعت‌های ناآگاهانه و ایثارهای غیر موجه به پایان رسیده، اکنون زمان مشارکت و تفاهم برای حل مشکلات و معضلات زندگی است و در عرصه‌ی پر رنج زندگی، یاری کردن زنان، بزرگ‌ترین سرمایه برای مردان به شمار می‌آید: به روز حادثه، اندریم حوادث دهر امید سعی و عمل هاست، هم از این، هم از آن
(دیوان: ۱۹۵)

همراهی و همدلی

پروین دیدگاه‌های گذشته را درباره زن مردود می‌شمارد و برای زن و مرد، نقش تفکیکی قائل نمی‌شود؛ او مردان آن روزگار را مورد خطاب قرار می‌دهد که خود را برتر از زنان نپندارند و در ادامه از جوهر بایسته و متعالی زن در ایجاد تکامل و امنیت خاطر، سخن به میان می‌آورد:

به روزگار سلامت، رفیق و یار شفیق به روز سانحه، تیمارخوار و پشتیبان
(دیوان: ۱۹۵)

شاعر، همراهی و همدلی را شرط اصلی ادامه حیات و زندگی سالم می‌داند و می‌خواهد «که نظام امن جهان بر پایه همگرایی، همراهی و همدلی زن و مرد استوار باشد» (موحد، همان: ۴۲).

ارتقاء و تحکیم هویت فرهنگی فرزندان

از نظر پروین، ارتقاء هویت فرهنگی فرزندان، در گرو ارتقاء هویت فرهنگی مادران است و به منظور تحقق چنین آرمانی، کسب علم و معرفت برای زن لازم و بایسته است: دامن مادر نخست آموزگار کودک است طفل دانشور، کجا پرورده نادان مادری (دیوان: ۳۱۱)

افزایش آگاهی و دانش نسل‌ها در طول زمان، در گرو افزایش توانمندی‌های فرهنگی و علمی مادران است. مادران تاملین و تضمین‌کننده بزرگی‌ها و عظمت‌های مردان و زنان در طول تاریخ بوده‌اند:

اگر فلاتین و سقراط، بوده‌اند بزرگ بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
به گاهواره مادر به کودکی بس بخت سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان
(دیوان: ۱۹۴)

از نظر او دختران با تاسی به مادران تربیت یافته خود، می‌توانند در آینده نقش مادری را به بهترین شکل ایفا کنند:

همیشه دختر امروز، مادر فرداست ز مادر است میسر، بزرگی پسران
(دیوان: ۱۹۵)

بومی‌گرایی

سروده‌های پروین مغایر با رسوخ فرهنگ غربی بر فرهنگ ایرانی و افکار و اندیشه‌های آنان بود، زمانی که برخی از زنان در جهت رسیدن به آرمان‌ها و آرزوهای خویش گام بر می‌داشتند و تحت تأثیر تفکرات مادی و ظاهر اندیشانه قرار گرفته بودند و بیشترین وقت و هزینه را صرف پیرایش ظاهر می‌کردند. پروین به خوبی متوجه این اتفاق نامطلوب گردیده و در تلاش بود تا زنان را نسبت به گوهر ذاتی‌شان آگاه ساخته و به ساده بودن و ساده زیستن دعوت کند:

چو بگرویم به کرباس خود چه غم داریم که حله حلب ارزان شدست یا که گران
از آن حریر که بیگانه بود نساجش هزار بار برانزنده‌تر بود خلقان
(دیوان: ۱۹۷)

«این گونه از فرهنگ «خودی» و استقلال سخن گفتن، خاص دوره مشروطیت و ظهور

دگرگونی اجتماعی است، دوره‌ای که همه میراث‌های «خودی» در خطر غارت و چپاول قدرت‌های سلطه‌گر غیر خودی است. پروین مانند متفکران هم عصرش (اقبال لاهوری) کرباس کهنه بافته شده در کشورش را از پارچه ابریشمی الوان بیگانه، برازنده‌تر می‌داند» (همان: ۴۰).

لازم است ذکر شود که این مؤلفه‌ها، با دیدگاه تلفیقی، بررسی شده‌اند، تا رویکردی جدید را عرضه کنند؛ بدین معنی که مؤلفه مادری و همسری، وقتی با آموزش و تربیت و پرورش و احساس معنادار بودن ممزوج می‌شود، موجودی نوین با عملکردی دیگرگون را معرفی می‌نماید و این امر، بزرگترین هدف پروین، بود.

نتیجه‌گیری

پروین نیز مانند دیگر شاعران مشروطه، بیان‌کننده همان افکار و اندیشه‌ها در مورد تغییر جایگاه و مقام زن در اجتماع است. او تلاش کرده است با بیان این مسئله که زن و مرد با هم برابرند و هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارند، افق دید مردان به زنان، که به صورت عمودی بوده است، بشکند و اثبات کند که زنان درحالی‌که نیمی از جمعیت یک کشور را تشکیل می‌دهند، می‌توانند نقش مهمی در گردش چرخه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته باشند. به طور خلاصه می‌توان به این موارد در شعر پروین اشاره کرد:

- اصالت اندیشه و استواری کلام در سروده‌های پروین موجب شده است، اشعاری که در خصوص زنان سروده است، آئینه روشنی از زنی که دارای جایگاه والاست و در عین حال توانسته است ایرانی بودن خویش را حفظ کند، باشد.

- هدف پروین از سرودن این گونه اشعار در خصوص زنان، طرح هویت و موجودیت مستقل برای زنان است و از نظر او زمان آن به پایان رسیده است که موجودیت زن در ارتباط با مرد تعریف شود. او در پی آن است که این امکان فراهم شود تا زنان بتوانند جایگاه شایسته خویش را در جامعه یافته و صدای خود را در عرصه‌های مختلف به گوش دیگران برسانند.

- از آنجایی که با کسب برخی هویت‌های جدید، افراد مجبور به نفی یا کنار گذاشتن بخشی از هویت خود می‌شوند و آن هم به دلیل وجود گسست‌های عظیم میان هویت

سنتی و دستاوردهای مدرن است، لذا پروین معتقد است، هویت زن ایرانی باید ترکیب مناسبی از ارزش‌های سنتی ایرانی و ارزش‌های ناشی از مدرنیته باشد تا بحران عمیق هویت در جامعه زنان ایران شکل نگیرد.

- از نظر پروین دستیابی زنان به هویت مدرن می‌تواند از دو جهت مورد توجه و مهم تلقی شود؛ اولاً این دگرگونی در فکر و اندیشه و رشد و پویایی آنها، مسیر زندگی‌شان را تغییر داده و ثانیاً به طور گسترده و عمیقی توانمندی آنها بر روی خانواده چه در ارتباط با همسر و چه در خصوص تعلیم و تربیت فرزندان تأثیرگذار خواهد بود. در پایان آنکه، زنی از منظر او شایسته نام زن است که بتواند میان هویت زن سنتی و مدرن نوعی تعادل و توازن ایجاد کند؛ بدین معنی که در بعد سنتی همگام با خانواده و در بعد مدرن همگام با اجتماع نقش آفرینی کند. در میان ویژگی‌هایی که پروین برای زن سنتی به‌عنوان مادر و همسر بیان می‌کند، مواردی همچون تعامل و همکاری، همراهی و همدلی و همچنین در نقش مادر، ارتقاء و تحکیم هویت فرهنگی فرزندان، جزو خصوصیات زن مدرن به حساب می‌آید که به دلیل حضور در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، توانسته است این مهارت‌ها را کسب کند.

پی‌نوشت

۱. در اروپا نیز همچون ایران، مردان از عینیت و تشخیص برخوردار بودند و آنچه معنا داشت هویت مردانه بود و زنان در حیات اجتماعی تأثیر و جلوه‌ای نداشتند، چنانکه سیمون دوبووار در خصوص موقعیت زن در جوامع چنین می‌نویسد: «زن در هر حال اگر نه برده، حداقل رعیت مرد بوده است؛ دو جنس هرگز به طور برابر دنیا را تقسیم نکرده‌اند و امروز نیز زن هر چند وضعیتش در شرف متحول شدن باشد، به شدت از امتیازهای منفی رنج می‌برد. تقریباً در هیچ کشوری، وضع حقوقی زن مشابه وضع حقوقی مرد نیست و غالباً این وضع به نحو قابل ملاحظه‌ای موجب بی‌اعتباری او می‌شود» (سیمون دوبووار، ج ۱: ۱۳۸۰:

۲۵) نیز صص ۱۳۳، ۲۴۲، ۳۱۷.

۲. به این ترتیب زنان بیشتر به‌عنوان معشوقه (درحالت مثبت) و یا جادوگر و شیطان معرفی می‌شده‌اند؛ چنانکه سنایی می‌گوید:

دختران چون فسانه پردازند دوک ریسند و کعبتک بازند

(حدیقه الحقیقه، ۱۳۵۹: ۴۳۹)

ناصر خسرو، زنان را موجوداتی ناقص عقل و ناقص دین می‌داند:

به گفتار زنان هرگز مکن کار زنان را تا توانی مرده انگار
زنان چون ناقصان عقل و دینند چرا مردان ره آنان گزینند
(سعادت نامه: ۱۳۳۹، ۵۲۲)

سعدی زن خوب را، زنی می‌داند که فرمانبردار و مطیع همسرش باشد:

زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا
(بوستان: ۱۳۷۹، ب۳۱۱۵)

۳. برای تعاریف بیشتر هویت ر.ک: گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخیص، چاپ چهارم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷، ص ۸۱ نیز گل محمدی، احمد، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲.

۴. مسائل زنان از مهمترین موضوعاتی بوده است که شاعران و نویسندگان، نگرش‌های متفاوتی را در مورد آن بیان کرده‌اند و کسانی همچون سید اشرف الدین گیلانی؛ مدیر روزنامه نسیم شمال، یحیی دولت آبادی، ایرج میرزا، میرزاده عشقی و ملک الشعرا بهار با سرودن شعرهایی به مذمت سنت‌های دست و پا گیر زنان پرداختند و خواستار دگرگونی و تحول در خصوص زندگی و جایگاه زنان شدند. چنانکه ملک الشعرا بهار زنان را به دانش آموزی تشویق می‌کرده است:

تکیه منمای به حسن و به جمال ای دختر سعی کن در طلب علم و کمال ای دختر
(دیوان: ۱۳۸۲، ج ۲، ۱۰۸۱)

از زنان شاعری که در این دوره، صدای خویش را به گوش دیگران رساندند، می‌توان به **مهر تاج درخشان، فاطمه سلطان خانم فراهانی، نیمتاج سلماس، عالمتاج قائم مقامی** اشاره کرد که با اشعار انتقادی، با مضمون‌هایی همچون آزادی زنان و جانبداری از دانایی و توانایی زنان، بر مردانی که در تلاش برای تضعیف زنان بودند، تاختند. برای مثال فاطمه سلطان خانم فراهانی چنین سروده است:

سلام من به شما ای مخدرات وطن	که هست خاطرتان جمله محو و مات وطن
وطن فتاده به گرداب و جز به کشتی علم	محال باشد جز بر شما نجات وطن
چو دختران وطن علم و دانش آموزند	شوند از اثر دانش امهات وطن
زنان به جسم وطن جان و مردها جسمند	ز روح و جسم بود جنبش و حیات وطن
کنید سعی که این دختران بر افزند	بر آسمان ید بیضا ز معجزات وطن

(کراچی، همان: ۱۱۰)

عالم‌تاج قائم مقامی متخلص به "زاله" قبل از پروین، مسئله زن و مصائب او در جامعه ایران را مورد توجه قرار داده است و زنان را از منفعل بودن، بی تحرکی و موجوداتی خانه نشین که موجب عقب ماندگی آنان شده بوده است، بر حذر داشته است:

دست و پای، همتی، شوری، تلاشی، کوششی شهر هستی، جان من، جزع‌رئه نورد نیست
(دیوان، ۱۳۷۴: ۳۴)

۵- پروین در جشن فارغ التحصیلی خود خطابه‌ای با عنوان "زن و تاریخ" ایراد کرد که نظر تمام ادیبان و روشنفکران را به خود جلب نمود (دانشگر، ۱۳۸۳: ۱۴). او علاوه بر شعر و شاعری، در انجمن‌ها نیز حضور داشته و عضو هیئت مدیره "کانون بانوان" بوده است (بامداد، ۱۳۷۵: ۲۷۹). اما پس از چندی کانون را ترک می‌کند. همچنین در آن زمان پروین افکار و عقاید خویش را در خصوص مسائل زنان در مجله "دانش" به چاپ می‌رسانده است (ندیمی، ۱۳۷۰: ۴۸۲).

منابع

- آقاری، ژانت (۱۳۷۷) انجمن سری زنان در نهضت مشروطه، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، بانو.
- اعتصامی، پروین (۱۳۷۱) دیوان اشعار، به کوشش بدرالدین یغمایی، تهران، ایران.
- اکبری بیدق، حسن (۱۳۷۹) مبانی فکری ادبیات مشروطه، تهران، پایا.
- احمدی خراسانی (۱۳۸۰) نوشین، زنان زیر سایه پدر خوانده‌ها، تهران، توسعه.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴) جامعه شناسی سیاسی، چاپ چهارم، تهران، نی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۲) دیوان اشعار، به اهتمام چهرزاد بهار، چاپ دوم، تهران، توس.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۳) ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، فروزان.
- چاووش اکبری، رحیم (۱۳۷۸) حکیم بانوی شعر فارسی، تهران، ثالث.
- حائری، سیدهادی (۱۳۷۵) حدیث ناگفته، ج ۱، تهران، حدیث.
- خدادادلرزجانی، معصومه (۱۳۸۶) نقش زنان در انقلاب مشروطه، رشت، ایلیا.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۱) هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، تهران، پیام امروز.
- درودیان، ولی الله (۱۳۷۷) زندگی و آثار پروین، شاعری با چشم‌های آرام، تهران، موسسه ایران.
- دلریش، بشری (۱۳۷۶) زن در دوره قاجار، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- دهباشی، علی (۱۳۷۰) یادنامه پروین اعتصامی، تهران، دنیای مادر.
- دانشگر، احمد (۱۳۸۳) شاعره‌ای از تبار روشنی‌ها، چاپ سوم، تهران، حافظ نوین.
- دوبووار، سیمون (۱۳۸۰) جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، توس.
- زاهد، سعید، خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۴) جنبش زنان در ایران، شیراز، ملک سلیمان.
- سعدی، مصلح الدین (۱۳۷۹) بوستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ ششم، تهران، خوارزمی.
- سنایی، مجدودبن آدم (۱۳۵۹) حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه، به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران، دانشگاه.
- علی نیا، بتول (۱۳۸۳) پروین و نازک، تهران، ماهرنگ.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳) هویت در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی.
- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۳۹) سعادت نامه، به تصحیح نصرالله تقوی، بی تا، تهران، بی تا.
- قائم مقامی، فرهنگ (۱۳۵۶) آزادی یا اسارت زن، چاپ پنجم، تهران، جاویدان.
- قائم مقامی، ژاله (۱۳۷۴) دیوان اشعار، به تصحیح و تنظیم پولاد فرخزاد، تهران، ما.
- کراچی، روح انگیز (۱۳۸۱) اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه الزهرا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ چهارم، تهران، نی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نی.
- موحد، عبدالحسین (۱۳۷۴) زن، پروین، حقیقت یا مجاز؟، تهران، محیا.
- ناهید، عبدالحسین (۱۳۶۸) زنان ایران در جنبش مشروطه، بی جا، نوید.
- وطن دوست، غلامرضا (۱۳۸۵) زن ایرانی در نشریات مشروطه، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

